

د: ۸۵/۶/۲۵

پ: ۸۵/۸/۲۲

شعله نی ریزی و ضرورت تصحیح انتقادی خسرو و شیرین وی

مختار کمیلی*

چکیده

یکی از شاعران مستتبع نظامی، شعله نی ریزی (متوفی ۱۳۱۵ ه.ق) صاحب منظومه «فرهاد و شیرین» (یا خسرو و شیرین) است که در بین پژوهشگران حوزه آثار مستتبعان نظامی و دوستداران ادب غنایی فارسی، نسبتاً ناشناخته مانده است؛ از این رو، در این نوشتار به اختصار به بررسی زندگی و منظومه وی که دهه‌ها پیش به وسیله کتابفروشی معرفت شیراز با مقدمه زنده یاد دکتر نورانی وصال به چاپ رسیده و از لغزش‌هایی به دور نمانده است پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: شعله نی ریزی، نسخ خطی و چاپی فرهاد و شیرین شعله، منظومه خسرو و شیرین شعله.

مقدمه

داستان دیرین دلدادگی و دلستانی شیرین و خسرو از دل انگیزترین داستانهای منظوم فارسی است که واقعیت تاریخی آن به روزگار ساسانیان و به عهد خسرو پرویز می‌رسد. فردوسی ماجرای عاشقانه این دو را در شاهنامه، در وقایع مربوط به زمان پادشاهی خسرو پرویز، آورده است. ظاهراً پس از فردوسی، نظامی گنجه‌ای در سده ششم ه.ق بر بنیاد روایات شایع در منطقه اَران به بازسازی این داستان پرداخته است.

*. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.

Email: mokhtar.komaily@gmail.com

منظومه نظامی که بی‌گمان از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌آید، از همان نخستین سده‌های پس از سرودنش، خیل عظیمی از شاعران را به تتبع و تقلید برانگیخت.

از میان شاعران منتبّع نظامی که شمارشان افزون بر صد است پاره‌ای چون امیرخسرو دهلوی و وحشی بافقی و... صیت و آوازه‌ای در خور یافته‌اند، اما پاره‌ای چون سلیمی جرونی و شعله‌نی‌ریزی و... شهرت و آوازه‌ای در سطح ملی نیافته‌اند. توجه بدین شاعران کم آوازه و دقت و پژوهش در آثارشان را نباید کاری عبث و بی‌ارزش تلقی کرد، چه اولاً بخش قابل‌اعتنایی از میراث مکتوب گرانبهای ما را همین آثاری که به تتبع از آثار شاعران نامی سروده شده‌اند، تشکیل می‌دهد و ندیدن این آثار، در حقیقت چشم فروستن بر گوشه‌ای از گنجینه ادبی این مرز و بوم است. در ثانی، اگرچه این آثار، به تقلید و پیروی از شاعران بزرگ سروده شده‌اند، خود، از جنبه‌های بدیع و تازه، بی‌بهره نیستند و در آنها، می‌توان کم و بیش نوآوری‌هایی را مشاهده کرد. دکتر نورانی وصال در این باره می‌نویسد:

این مثنویات که ظاهراً به تتبع مثنوی شیرین و خسرو [نظامی] سروده شده واقعاً تقلید صرف نیستند بلکه هر کدام خصوصیتی دارد که در جای خود شایان کمال دقت و دارای ارزش خاصی است.^۱

به همین سبب در این گفتار، به شرح حال مختصر شعله‌نی‌ریزی که به گفته زنده‌باد دکتر نورانی وصال از «منتبّعین ارزنده نظامی»^۲ است و به معرفی اجمالی خسرو و شیرین وی که «مثنوی بدیع است و... جای آن دارد که با دقت مطالعه شود»^۳ می‌پردازد.

شرح حال شعله‌نی‌ریزی

نام وی در تذکره‌هایی که حاوی ترجمه وی‌اند، میرزا محمدجعفر ثبت شده است. نام شعری (تخلص) وی، چنانکه در پایان یکی از قصاید^۴ وی و در آغاز نسخ خطی و چاپی منظومه خسرو و شیرین یا فرهاد و شیرین او آمده، شعله بوده است. در تذکره‌ها نیز، ترجمه و نمونه اشعار وی ذیل همین تخلص ضبط شده است.

زادبوم شاعر، شهرستان نی‌ریز، واقع در استان فارس بوده، صاحب تذکره مرآت الفصاحه (تألیف شده به سال ۱۳۱۶ ه.ق) می‌نویسد: «اسمش میرزا محمدجعفر از اهل نی‌ریز و از جمله نویسندگان و مباشران آن قصبه است.»^۵

سال تولد شعله در هیچ یک از تذکرها ثبت نشده است ولی با توجه به سال درگذشت وی (۱۳۱۵ یا ۱۳۱۶ ه.ق) می‌توان سال تولد وی را تقریباً در میانه دهه سوم سده سیزدهم هجری قمری حدس زد. در این صورت شعله حدود هشتاد سال، در این دنیا زیسته و حکومت‌های فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰) و محمدشاه (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴) و ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) را دریافته است. شعله دارای ظاهری مهیب و اندامی درشت بوده است؛ دکتر نورانی وصال، راجع به ظاهر شعله می‌نویسد:

مرحوم شعله دارای هیكلی تنومند و بازوانی قوی و انگشتانی درشت بود. قیافه موقر و اندامی بلند و صدایی بس رسا و با مهابت داشت. نگاه وی غضب‌آلود و رعب‌آور بود و به علت شرکت در چند جنگ محلی آثار زخم و شکستگی فراوانی در بدن او به نظر می‌رسید و با آنکه از بینایی یک چشم بیشتر بهره نداشت دارای دیدی... قوی بود.^۶

شعاع‌الملک (۱۲۹۸-۱۳۶۳ ه.ق) که از معاصران شاعر و بدو نزدیک بوده است نیز به فقدان بینایی در چشم چپ شاعر، تصریح کرده، می‌نویسد:

راستی در چشم چپش علتی بود که آن علت در نظرش ذلتی، روزی به مناسبتی برای فقیر خواند، شعر:

چشم چپ خویشان برآرم تا دیده نبیندت بجز راست^۷

شعله مردی ادیب بوده است. قصایدی که وی به تتبع شاعران سروده و دو نمونه از آن در تذکره شعاعیه آمده است^۸ و نیز منظومه فرهاد و شیرین وی نشان می‌دهند که با ادب دیرینه سال فارسی‌آشنایی داشته است. وی بجز شاعری، در «تیراندازی و خطاطی و حسابداری ممتاز بوده است».^۹

خاندان شعله، از خوانین و حاکمان نیریز بوده‌اند. پدر شعله، محمدباقرخان، بر سر حکومت نیریزی با برادرانش اختلاف داشته، این اختلافات، به مرگ پدر شعله و حوادثی که دکتر نورانی وصال در مقدمه خود بر خسرو و شیرین شعله آورده است، می‌انجامد. شعله در پایان عمر، به علت پشیمانی از کارهای گذشته خویش نادم و تائب شده... مشغول عبادت و انابت گردید.^{۱۰} و سرانجام به سال ۱۳۱۶ ه.ق^{۱۱} یا چنانکه در تذکره شعاعیه آمده است، «در سنه ۱۳۱۵ فوتش رسید و در خاک نیریز مدفون گردید».^{۱۲}

اوضاع اجتماعی و سیاسی زادبوم شاعر

شعله در یکی از پرآشوب‌ترین ادوار تاریخی ایران می‌زیسته است. در سده سیزدهم اوضاع فارس و زادبوم شاعر (نی‌ریز) بس آشفته بوده است. در آن ایام، بیدادگری و برادرکشی حاکمان محلی از سویی و آغاز فتنه سیدعلی محمد باب و آمدن سید یحیی کشفی، مبلغ این آیین، در سال ۱۲۶۶ ه.ق به نی‌ریز و گرویدن عده‌ای از مردم بدو، از جانی دیگر، آتش آشوب و نابسامانی را در این خطه برمی‌افروخته است. پدر شعله که با برادرانش، حاج زین العابدین خان و علی اصغر خان، بر سر حکومت نی‌ریز اختلاف داشته است ظاهراً در سال ۱۲۶۲ ه.ق به دست ایادی این دو برادر کشته می‌شود و بازماندگانش که از جمله آنها شعله است اسیر و زندانی می‌شوند.^{۱۳} قتل پدر و زندانی شدن شاعر، آتش دیرپای کینه را در دل شعله برمی‌افزود. وی پس از رهایی از زندان مترصد است تا در فرصتی انتقام خون پدر را از عموهایش بگیرد تا اینکه «سید یحیی در اواخر ماه صفر سال ۱۲۶۶ ه.ق در بلده نی‌ریز که اشرار آن بر حاج زین العابدین خان، حاکم خود شوریده بودند رحل اقامت افکند و اشرار را با خود یار کرده... تمامی اشرار را که نزدیک به پانصد تن بودند در دعوت او آمدند.»^{۱۴}

شعله از این موقعیت نهایت استفاده را می‌کند. بنابر مقدمه دکتر نورانی وصال بر خسرو و شیرین شعله نی‌ریزی، شعله ظاهراً به این آیین می‌گردد و دختر سید یحیی را به نکاح خود در آورده، سید یحیی را تحریک می‌کند تا با قوای حاج زین العابدین بجنگد. در اثنای جنگ، شعله با نقشه‌ای که تفصیلش در مقدمه مذکور آمده، عمویش علی‌اصغر خان را ترور می‌کند^{۱۵} و مترصد است تا عموی دیگرش (حاج زین العابدین خان) را که از معرکه گریخته است، نیز، نیست و نابود سازد.

در جنگ ۱۲۶۶ ه.ق بایبان شکست می‌خورند و شعله به کوهستانهای جنوبی زادگاهش پناه می‌برد. وی سه سال پس از این جنگ، چند تن از رعیت ناراضی نی‌ریز را تحریک می‌کند و آنها را به قتل زین العابدین خان برمی‌انگیزد.^{۱۶}

شعله پس از انتقام از عموهایش در صدد است تا کیش حقیقی خود را اعلام کند و از باییت تبری جوید، از این رو سالها بعد از این حوادث به خدمت فرهاد میرزا معتمدالدوله، حاکم فارس رسیده با گفتن حقایق، مورد بخشایش وی قرار می‌گیرد. شعله در این اوان، مثنوی فرهاد و شیرین خود را به وی تقدیم می‌کند.

آثار شعله‌نی‌ریزی

به طور کلی از منابعی که راجع به شعله‌نی‌ریزی مطالبی دارند برمی‌آید که وی به جز منظومه فرهاد و شیرین دیوان شعر و مثنوی‌ای به نام جنگ‌نامه هم داشته است. شعاع‌الملک نوشته است: «از قرار تقریر خودش صاحب دیوان است.»^{۱۷} در الذریعه الی تصانیف الشیعه نیز از دیوان شعله یاد شده است: «دیوان شعله‌نی‌ریزی (در متن الذریعه سهواً شعله تبریزی) و اسمه محمدجعفر طبع له خسرو شیرین.»^{۱۸} از دیوان شعله تا حال و تا آنجا که نگارنده می‌داند، نشانی در دست نیست. از قصاید وی دو قصیده در تذکره شعاعیه ضبط شده‌اند.^{۱۹} از قصیده دیگر وی که در پوزش وی از خطاهای گذشته سروده و به همراه خسرو و شیرین به فرهاد میرزا معتمدالدوله تقدیم شده^{۲۰} نیز اثری نیست. از مثنوی جنگ‌نامه شعله نیز جز یکی دو بیت آن، تا کنون نشانی به دست نیامده است. دکتر طاووسی راجع به این مثنوی می‌نویسد:

مثنوی دیگری از او هم سراغ داریم که جنگ‌نامه نامیده می‌شده و ظاهراً مربوط به جنگ معروف سال ۱۲۶۶ ه.ق نی‌ریز بوده که یک بیت آن چنین است:

ز گرد سواران و دود تفنگ
زمین گشت تیره چو پشت پلنگ
و معلوم نیست که این مثنوی کجاست.^{۲۱}

زنده‌یاد دکتر نورانی وصال از قطعات فکاهی و مراثی شعله چنین خبر داده است: «به هر حال از شعله جز کتاب حاضر (خسرو و شیرین شعله) و چند قطعه فکاهی و سیاسی چیزی برجای نیست.»^{۲۲} در حدیقه‌الشعرا دیوان بیگی ذیل نام شعله (بدون انتساب به هیچ شهر و دیاری و بدون هیچ شرح حالی) غزلی پنج بیتی آمده است^{۲۳} که امکان دارد از شعله‌نی‌ریزی باشد. تا زمانی که دیوان شعله‌نی‌ریزی به دست نیاید یا این غزل در دیوان هیچ یک از شعرا شعله نام یا تخلص، یافت نشود، نمی‌توان آن را قطعاً از آن شعله‌نی‌ریزی یا هر شاعر شعله تخلص یا شعله نام دیگر دانست.

فرهاد و شیرین شعله‌نی‌ریزی

نام منظومه عاشقانه شعله‌نی‌ریزی در منابع مختلف، یکسان ضبط نشده است. در پاره‌ای از منابع و نسخ خطی و چاپی این اثر، نام منظومه خسرو و شیرین و در پاره‌ای دیگر فرهاد و شیرین یا شیرین و فرهاد ضبط شده است. در تذکره شعاعیه (ص ۲۳۶)،

نام این منظومه خسرو و شیرین و در مرآت الفصاحه (ص ۳۰۸) شیرین و فرهاد آمده است. شعله در منظومه‌اش، غالباً قصه خود را فرهاد و شیرین خوانده است:
ز سوز عشق می‌گویم فسانه بود فرهاد و شیرینم بهانه
(۹/۲۳)

چو می‌بندم به کاخ عشق آیین سرایم قصه فرهاد و شیرین
(۲۱/۲۳)

دکتر نورانی وصال نیز معتقد است که شعله «خود نام شیرین و فرهاد را بر آن نهاده بود ولی به واسطه عدم دقت به نام شیرین و خسرو، معروف گردید.»^{۲۴}
به هر حال، شعله این منظومه را «تحفة معتمدالدوله فرهاد میرزا کرده و صد تومان انعام گرفته»^{۲۵} تاریخ تقدیم این مثنوی به فرهاد میرزا که «طبعی موزون [داشته] و در شناختن اشعار عربی و فارسی دستش بلند [بوده] و گاهی برای آزمایش طبع، شعری فرموده.»^{۲۶} دقیقاً معلوم نیست اما با توجه به اینکه فرهاد میرزا در اوّل ماه شعبان ۱۲۹۳ ه.ق برای حکمرانی وارد شیراز شده^{۲۷} و جمادی الثانیه ۱۲۹۸ ه.ق پایان حکومت وی بر فارس بوده^{۲۸} تاریخ تقدیم منظومه فرهاد و شیرین بین سالهای ۱۲۹۳-۱۲۹۸ ه.ق بوده است. هم چنین با توجه به این سخن شعله که «بر طبق دستور معظمله (یعنی معتمدالدوله) با فتحعلی خان (فرزند حاج زین‌العابدین که در این موقع به حکومت نیریز منصوب بود) آشتی کردیم.»^{۲۹} و حکومت فتحعلی خان تا سال ۱۲۹۵-۳۰ بیشتر نبوده است، می‌توان گفت تقدیم کتاب بین سالهای ۱۲۹۳-۱۲۹۵ صورت گرفته است.
به طور کلی، طرح داستان «فرهاد و شیرین» شعله، تفاوت چندانی با طرح این داستان در منظومه نظامی ندارد؛ چون این نوشتار حوصله و گنجایش مقایسه کامل و همه جانبه این دو اثر را ندارد، به معرفی و توصیف بعضی از شخصیت‌های داستانی منظومه فرهاد و شیرین شعله به طور موجز و مختصر، بسنده می‌شود.
از میان شخصیت‌های داستانی منظومه عاشقانه نظامی، شخصیت‌هایی چون بزرگ امید، مهین بانو و... که نقشی فرعی در داستان ایفا می‌کنند، در منظومه شعله نی‌ریزی غائب‌اند. نقش و وظیفه شاپور، در هر دو منظومه، یکسان است و اگر تفاوتی دیده می‌شود در این حد است که مثلاً در منظومه نظامی، وی ابتدا تصویر خسرو را بر تنه درختان می‌چسباند تا نظر شیرین بر آن بیفتد و دل به عشق خسرو سپارد اما در منظومه شعله، وی نخست زیبایی‌های خسرو را برای شیرین توصیف می‌کند و سپس تصویر خسرو را از بغل بیرون آورده و بدو می‌نماید.

شیرین در هر دو منظومه نقش اصلی را بر عهده دارد. شیرین که در داستان عاشقانه نظامی - که به یاد «آفاق» در خاک غنوده شاعر گنجه سروده شده است - سیمایی زیبا، دلربا و پاکدامن دارد، در منظومه شاعر نی‌ریز هم، سیمای صوری و معنوی جذابی دارد؛ شعله نی‌ریزی، چنان دل‌باخته و شوریده شخصیت شیرینکار شیرین است که داستان خود را به ایهام قصه شیرین^{۳۱} خوانده و منظومه خود را با نام خدای شیرین آغاز کرده و با نام وی به پایان آورده است.

شیرین شعله نی‌ریز به همان زیبایی و دلربایی و پاکدامنی شیرین شاعر گنجه است و بر عکس شیرین صابر شیرازی^{۳۲} هرگز بدون پیمان نکاح، با کسی، حتی فرهاد دلسوخته، ارتباط آن چنانی برقرار نمی‌سازد. شیرین برای شعله زنی آرمانی است، از اینرو شعله در برابر این اتهام که شیرین جام باده مریم را به زهر آلوده و سبب مرگ وی شده است^{۳۳} بی‌درنگ واکنش نشان می‌دهد و می‌سراید که:

ز رشک آمیخت در جام میش زهر	چنین گویند شیرین از سر قهر
نباشد کار بد کردار شیرین	ولی دورست این از کار شیرین
شود شوریده دل از شربت شور	ز شیرین این چنین کاری بود دور

(۲۰-۱۸/۲۵)

نظامی نیز از شیرین دفع اتهام کرده و گفته که شیرین نه به زهر که به همت (مانیتیسیم) زهر آلود، مریم را از دهر برده است.^{۳۴}

سیمای شکر نیز در هر دو منظومه تقریباً یکسان ترسیم شده است. شکر شعله مستوره‌ای است که کس او را ندیده:

به سان غنچه مستوری گردیده	نه چون گل پرده عصمت دریده
به خوبی نام او در دهر گویا	ولی پنهان وجود او چو عنقا

(۱/۱۳۰)

(۹/۱۳۰)

اما شکر نظامی بدین مستوری نیست بلکه:

به هر جایی چو باد آرام گیرد	چو لاله با همه کس جام گیرد
-----------------------------	----------------------------

(۳/۲۷۹)

سیمای فرهاد نیز در هر دو منظومه تقریباً یکسان توصیف شده است. در منظومه شعله نی‌ریز، سؤال و جوابی بین شیرین و فرهاد صورت می‌گیرد که در منظومه شاعر گنجه نیست، ابیاتی از این گفتگوی شاعرانه نقل می‌شود:

نخستین بار گفتا چیست نامت
 بگفتا چیست آیینت به هستی
 بگفتا بت پرستیدن چه سود است
 بگفتا منزلت باشد چه وادی
 بگفتا با که داری مهربانی
 بگفتا مهر به از دوست یا کین
 بگفتا گر قبول افتد غلامت
 بگفت آیین و کیش بت پرستی
 بگفت این مایه هر هست و بود است
 بگفت اندر دیار نامرادی...
 بگفت این نکته را بهتر تو دانی
 بگفت از هر چه باشد میل شیرین

(ص ۹۲)

در مثنوی شعله نی ریز، به پیروی از نظامی و فردوسی و ... پس از پایان بعضی حوادث، اندرزها و اندیشه‌های تأمل‌انگیز، آمده است. شعله پس از وصف حادثه غمبار خودکشی فرهاد، خیام‌وار، می‌سراید که:

چو کردی بی‌محابا کوه را خورد
 سرشت عالم ایجاد این است
 فروزان لاله در هر جویباری
 گل رعنا که در هر بوستانی است
 هم آخر سنگ خارا خون او خورد
 ز خون بی‌دلان خاکش عجین است
 بود خون دل سیمین عذاری
 عذار آبدار دلستانی است...

(۱۷-۱۴/۱۱۴)

زبان، آرایه‌های ادبی و صور خیال خسرو و شیرین شعله زبان منظومه عاشقانه شعله که حدود ۳۵۰۰ بیت دارد، زبانی ساده، و به دور از واژگان دشوار و غیراخلاقی است. وی در وصف شبهای عروسی خسرو با شکر و شیرین، چون نظامی، برای غمازی حدی قائل شده، و از آن فراتر نرفته است. شعله در سرودن منظومه‌اش، توجه ویژه‌ای به آرایه‌های ادبی دارد. بیت آغازین منظومه:

به نام آنکه شیرین آفرین است
 به چند زیور آراسته شده است که یکی از آنها «براعت استهلال» است. جناس تام در قافیه و جناس زائد بین آفرین و آفرینش بر آراستگی و موسیقی بیت افزوده‌اند. جناس و انواع آن، تضاد، ایهام و... در سراسر این منظومه به چشم می‌آیند؛ در زیر برای پاره‌ای از زیورهای کلامی، ابیاتی نقل می‌شود:

جناس تام در قافیه:

چنان ویرانه شد هر مرز و هر بوم
 کز آن ویرانه جست آوارگی بوم
 (۳۳/۱۷۸)

دو مشکین طره‌اش آشوب چین است
که در هر تار او صد تاب و چین است
(۱۳/۲۷)

جناس ناقص:

زمانی واگذاریدم به خود کار
که طبعم سیر گشت از سیر گلزار
(۱۸/۴۳)

جناس مرکب:

بحمدالله که شه از بختیاری
ز دوران کام جست از بخت یاری
(۲۰/۱۴۷)

تضاد:

نهاد از زیر صحنش تالب بام
به جای خشت پخته، عنبر خام
(۱۲/۶)

ایهام:

وگر نه من نیم آن شوخ خودسر
که اندر هر دهان آیم چو شکر
(۹/۴۸)

ایهام تضاد:

چو شام از بام گردون آمدی پیش
خراشیدی به ناخن سینه خویش
(۶/۸۵)

ایهام تناسب:

نوای چنگ و رود و سوزش عود
جهان را کرده غم یکباره بدرود
(۹/۱۲۶)

لف و نشر:

ز باز و یوز شد دشت و هوا تنگ
سواران بسته صف فرسنگ فرسنگ
(۲/۲۴۱)

تلمیح:

زمین را داد از روی ادب بوس
به افسون در بهشت آمد چو طاووس
(۶/۳۵)

سلیمان را کجا حشمت شود دور
پذیرد گر ز رحمت تحفه مور
(۹/۱۸۱)

صور خیال نیز صفحات مثنوی شعله را رنگامیزی کرده است. تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه، اغراق، وصفهای شاعرانه و... از ابزارهای بیانی این دفترند که برای پاره‌ای، نمونه‌وار، ابیاتی نقل می‌شود:

تشبیه تفضیل:

اگر بیند قدش را سرو موزون قدش از رشک گردد بید مجنون
(۶/۳۹)

نشست آن ماه چون بر پشت گلگون ز شرم او نهان شد ماه گردون
(۲/۶۹)

تشبیه مرکب:

به دورش از پیرویان دلبر چو گرد ماه تابان خیل اختر
(۱۴/۳۳)

استعاره:

دو مرجانش شکر ریزی بنا کرد سرتنگ شکر از خنده وا کرد
(۱۲/۳۶)

سرشک از نرگس بیمار می‌ریخت عقیق سرخ بر گلنار می‌ریخت
(۹/۵۰)

به دست هریکی جامی ز گوهر در آب خشک کرده آتش تر
(۱۶/۱۲۸)

در بیت اخیر، آب خشک، استعاره از جام و آتش تر، استعاره از باده است، نظامی
عیناً آنها را در بیت زیر آورده است:

نه می در آبگینه کان سمنبر در آب خشک می‌کرد آتش تر
(۱/۲۸۱)

مبالغه:

ز عکس لاله‌ها کافتاده در آب نکردی فرق کس آب از می ناب
(۱/۷۰)

تشخیص:

دلت نگرفت آخر ای شب تار گرفتم دوری از حال گرفتار
(۱۳/۹۷)

کنایه:

ز سودای رخ شیرین مهوش دماش نعل دل بودی در آتش

(۱۵/۱۰۴)

تقریظ بر خسرو و شیرین شعله‌نی‌ریزی

یکی از سنت‌های ادبی ما، نوشتن تقریظ است. تقریظ در اصطلاح ادبی به مقدمه ستایش آمیزی گفته می‌شود که بر کتابی نوشته شده است. خسرو و شیرین (یا فرهاد و شیرین) شعله‌نی‌ریزی از آثاری است که بر آن تقریظ نوشته شده است. تقریظ نوشته شده بر فرهاد و شیرین شعله‌نی‌ریزی را زنده یاد ابراهیم دهگان (متوفی ۲۵ مرداد ۱۳۶۳ ه.ش) برای مجله ارمان فرستاده و در آن مجله، دوره سی و هفتم، شماره ۱۰، صص ۵۱۶-۵۲۱ به چاپ رسیده است. مرحوم ابراهیم دهگان در یادداشتی که برای سردبیر مجله ارمان ارسال کرده، چنین نوشته‌اند:

اینک تقریظ یا مقدمه‌ای که توسط یکی از فضلاء نیمه دوم قرن سیزدهم (احتمال می‌دهم از وابستگان به شیخ مفید شیرازی بوده است) بر کتاب فرهاد و شیرین میرزا محمد جعفر نی‌ریزی نوشته شده است و خیال می‌کنم در جای دیگری نیز یافت نگردد، در اختیار فدوی بود که عیناً استنساخ و برای درج در آن نامه کریم‌النسب ارسال گردید.

برای آشنایی با این تقریظ، بندهایی از آن نقل می‌شود:

و بعد آنکه در عهد دولت جاوید آیت اعلی حضرت قدر قدرت ناصرالدین شاه غازی و در زمان علم رانی [ظاهراً حکم‌رانی] نواب مستطاب حضرت اشرف ارفع امجد والا معتمد الدوله در مملکت فارس سنه ۱۲۹۴ عالیجاه رفیعگاه عزت و سعادت دستگاه، فخامت و مناعت انتماء، [ظاهراً انتماء] زبده‌الخوانین العظام و حمده [شاید عمده] الاکابر الکرام، آقا امیرزا محمد جعفر نی‌ریزی المولد و الموطن المتخلص به شعله - لزال کوكب اقباله محروساً عن الافول و الهبوط - که عروس فکر بکرش به زیور حسن جمال و حلیه رشد و کمال آراسته مشاطه طبع او را [ظاهراً] را زاید می‌نماید [از آرایش عوارض نقائص پیراسته لائی [ظاهراً لالی] آبدار این کتاب مستطاب فرهاد و شیرین را به رشته نظم کشیده به اندک زمانی به اتمام آن پرداخته و به نام نامی شاهزاده آزاده‌اش مرتب و مزین ساخت.

الحق اشعار شیرین و گفتار نمکین اش شوری و سودی [ظاهراً سوزی]
بی اندازه در قلوب مشتاقان انداخته و دوباره ایشان را در بیداء وله و حیرانی
وفیفاء [ظاهراً فیفاء] جنون و سرگردانی واله و شیدا ساخته...»

نسخ خطی و چاپی خسرو و شیرین

از خسرو و شیرین شعله نی ریزی، نسخ خطی و چاپی متعددی وجود دارد. در پیوند
با نسخ خطی این اثر، تا آنجا که بنده می داند، در کتابخانه های ایران سه نسخه به شرح
زیر وجود دارد:

۱. نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۸۲۱. این نسخه با عنوان فرهاد و شیرین به
تاریخ ۱۳۰۷ ه.ق. به فرمان میرزا ابوالحسن خان منشی باشی کتابت شده و کاتب آن
محمد نی ریزی است.

۲. نسخه اول کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱/۱۳۸۰۵ (۱ ر - ۱۴۱ پ).
این نسخه را فضل اله خلف محمد... محمد بنگالی به سال ۱۳۰۲ ه.ق. کتابت کرده است.

۳. نسخه دوم کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۱۴۰ که محمد علی بن
محمد حسن نی ریزی آن را در تاریخ ۱۳۰۴ ه.ق. به قید کتابت کشیده است.

به جز این سه نسخه که همگی در زمان حیات شاعر کتابت شده اند در بین اهالی
زادگاه شاعر هم نسخ خطی این اثر دیده می شود که از جمله آنها می توان به دو نسخه که
هیچ کدام تاریخ کتابت ندارند و نگارنده تصاویرشان را در اختیار دارد اشاره کرد؛ یکی
از این دو نسخه که صفحات پایانی آن افتاده است متعلق به آقای سید احمد علوی،
وکیل محترم دادگستری، و دیگری که صفحه آغازین آن افتاده یا کتابت نشده است به
آقای دکتر فرهنگ ارشاد، استاد محترم جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز تعلق
دارد.

ضرورت تصحیح منظومه فرهاد و شیرین شعله نی ریزی

خسرو و شیرین (یا فرهاد و شیرین) شعله نی ریزی که دکتر نورانی وصال بر آن
مقدمه ای نوشته و کتابفروشی معرفت شیراز، دهه ها پیش به چاپ آن اقدام کرده، از
لغزش ها و کاستی هایی به دور نمانده است. درخور است این منظومه، که «هنری در آن
به کار رفته و بیانی نغز دارد و... بدیع است»^{۳۵} به صورتی پاکیزه و منقح در دسترس
دوستداران ادب عاشقانه فارسی و پژوهشگران حوزه آثار متبعضان نظامی قرار گیرد.

در اینجا، نگارنده برای نشان دادن نمونه‌هایی از لغزشها و کاستی‌های موجود در خسرو و شیرین شعله نی‌ریزی چاپ کتابفروشی معرفت شیراز که تا حال تنها چاپ کمیاب این اثر نیز هست، به نقل اییاتی چند که واژه یا واژگانی در آنها، دچار دگرگونی شده، می‌پردازد و بر اساس نسخ خطی مذکور، صورت درست آنها را باز می‌نماید:

۱. هنوز از یار یوسف در تک چاه کجا از چه شدی بر خرگه ماه
(ص ۲۱/بیت ۱۱)

صحیح این بیت براساس نسخ خطی یاد شده، چنین است:

نبود از یار یوسف در تک چاه کجا از چه شدی بر خرگه جاه
۲. اگر چه غرقه در بحر گناهم نباشد جز تولایت پناهم
(۱۰/۲۱)

خصوصاً سرور بزم ولایت علی آن اختر برج هدایت
واژه «خصوصاً» در آغاز بیت دوم و ضبط نسخ خطی، صورت درست بیت نخست را چنین نشان می‌دهند:

اگر چه غرقه در بحر گناهم ز نیرویش عنان دست خدایی
۳. نباشد جز تو و آلت پناهم کلید مخزن مشکل گشایی (۱/۲۲)
۴. نثار سیم و زر بر وی فشاند نگین دارش میان زر نشاند
(۱۰/۸۷)

«نگین دارش» محرف «نگین وارش» است.
۵. چرا عمری به غفلت می‌گذاری مرا و خاطر مرا بر نیاری
(۱۳/۲۴)

درست مصراع دوم چنین است: مراد خاطر مرا بر نیاری
۶. بلا را لطف بی‌اندازه داند جفا را عیبهای تازه داند
(۷/۲۸)

به قرینه مصرع نخست و براساس نسخ خطی، مصراع دوم بدین صورت تصحیح می‌شود: جفا را عیشهای تازه داند.
۷. زمین شد فتنه را شوریده بازار نسیم آسوده از تاراج گلزار
(۷/۱۸۰)

«زمین» تحریف شده «زبس» است: ز بس شد فتنه را شوریده بازار

۸. پدید آید سخن را گر خریدار متاعی غیر از اینم نیست در کار
(۱۴/۱۷۶)

«کار» تغییر یافته «بار» است: متاعی غیر از اینم نیست در بار
۹. به نفرینش پیمبر دست برداشت از آن رو دولت از وی روی برکاست
(۱۴/۱۶۸)

قواعد دانش قافیه و مضمون بیت حکم می‌کند که در مصراع دوم، قافیه «برگاشت»
بوده است.

۱۰. وزو بویی ز زلفم گر به تاتار شود مشک از کسادی خاک بازار
(۱۷/۱۵۰)

«وزو» محرف «وزد» است.

۱۱. پر پرویان زمین را بوسه دادند زبان بهر دعایش برگشادند
به پشت باد پایان زین نهادند به گلگون زین زرین بر نهادند
(۵-۴/۵۱)

از سیاق بیت اول بر می‌آید که ابیات بعد، باید گفته یا گفته‌های پر پرویان باشد ولی چنانکه مشاهده می‌شود در چاپ معرفت شیراز و چاپ‌های سنگی بمبئی و اصفهان که احتمالاً چاپ معرفت از روی آنها صورت گرفته است، از این گفته‌ها، خبری نیست و دو بیت ارتباطی با هم ندارند. عدم ارتباط این دو بیت بدین سبب است که پس از بیت نخست، ابیاتی که در نسخ خطی دیده می‌شوند، افتاده است. در نسخ خطی پس از بیت اول، بیت زیر که با حرف ربط «که» آغاز می‌شود، آمده است:

«که شیرین را اگر میل شکار است شکارش جمله دل‌های فگار است»

بیت دوم یعنی «به پشت باد پایان...» که از نظر قافیه معیوب می‌نماید بدین صورت در هیچ کدام از نسخ خطی نیامده و بجای آن بیت زیر نشسته است:

صبا را بند از پا برگشادند به پشتش زین زرین بر نهادند

در پایان از اولیای ارجمند کتابخانه‌های مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران و ملی ملک و آستان قدس رضوی و مجلس شورای اسلامی و از آقای دکتر فرهنگ ارشاد و آقای سید احمد علوی که تصویر نسخ خطی یا چاپ سنگی خسرو و شیرین شعله نیریزی را در اختیار بنده گذاشتند و از آقای محمدعلی پیشاهنگ که کپی تقریظ نوشته شده بر این اثر را برای بنده فراهم آورد، فروتنانه سپاسگزاری می‌کنم.

پی‌نوشت‌ها

۱. خسرو و شیرین شعله نی‌ریزی، با مقدمه و شرح حال شاعر به قلم دکتر نورانی وصال، کتابفروشی معرفت شیراز، (بی‌تا)، ص ۲.
۲. همان، ص ۳.
۳. همان.
۴. «شعله بیدل منفعل از خویش بر سر کویت در طلب ودق» (تذکره شعاعیه، ص ۲۳۸).
۵. مرآةالفصاحه، شیخ مفید (داور)، به تصحیح دکتر محمود طاووسی، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷.
۶. خسرو و شیرین شعله نی‌ریزی، ص ۴.
۷. تذکره شعاعیه، محمدحسین شعاع شیرازی (شعاع الملک)، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶.
۸. همان، صص ۲۳۶-۲۴۱.
۹. خسرو و شیرین شعله، ص ۴.
۱۰. همان، ص ۱۱.
۱۱. همان، ص ۱۱.
۱۲. تذکره شعاعیه، ۲۳۶.
۱۳. خسرو و شیرین شعله نی‌ریزی، ص ۴-۵؛ مرحوم نورانی وصال اطلاعات خود را از مرحوم سید حسین علوی که وی را چندین بار دانشمند محترم خوانده و ظاهراً به گفته‌های وی اعتماد کرده، اخذ کرده است.
۱۴. فارس‌نامه ناصری، حاج میرزا حسن حسینی فسایی، ج اول، تصحیح دکتر رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۷۹۲.
۱۵. در فارس‌نامه ناصری، ج ۱، ص ۷۹۳ به قتل عموی شعله چنین اشاره شده است: «مردمان سید یحیی در نیمه شبی با شمشیرهای کشیده بر جماعت زین‌العابدین خان شیخون آوردند و نزدیک ۱۵۰ نفر را بکشتند از جمله علی اصغر خان برادر بزرگ حاج زین‌العابدین...» مطالب مقدمه دکتر نورانی وصال، گوشه‌هایی تاریک و رازناک از وقایع این خطه را روشن می‌کند که از آن جمله، ترور علی‌اصغر خان به دست شعله است. مطالب ناسخ‌التواریخ در این باره مانند مطالب فارس‌نامه است. (رک: ناسخ‌التواریخ، ج ۳، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷، صفحات ۱۱۰۷-۱۱۰۸).
۱۶. رک: مقدمه خسرو و شیرین در فارس‌نامه ناصری، ج ۲، ص ۱۵۶۶ آمده است که «در سال ۱۲۶۹ در حمام نی‌ریز مرد دلاکی... شکم او (یعنی زین‌العابدین‌خان) را درید... این دلاک با جماعتی دیگر در مذهب میرزا علی محمدباب بود.»
۱۷. تذکره شعاعیه، ۲۳۶.
۱۸. الذریعه الی تصانیف الشیعه، الشیخ آقا بزرگ تهرانی، القسم الثانی من الجزء التاسع، به تنقیح ع. المنزوی ۱۳۳۸ شمسی، ص ۵۲۸. در الذریعه جزء التاسع عشر ص ۱۶۷ و جزء هفتم ص ۱۶۰. ذیل مثنوی خسرو شیرین نیز به جای شعله نی‌ریزی، سهواً شعله تبریزی آمده است.

۱۹. تذکره شعاعیه، ص ۲۳۶-۲۴۱.
۲۰. خسرو و شیرین شعله، ۱۰.
۲۱. تذکره شعاعیه، ۲۴۵.
۲۲. خسرو و شیرین شعله، ۱۱.
۲۳. رک: حدیقه الشعرا، سید احمد دیوان بیگی شیرازی، ج ۲ با تصحیح و تکمیل و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات زرین، ص ۸۵۰.
۲۴. خسرو و شیرین شعله نی ریزی، ص ۱۱.
۲۵. مرآة الفصاحه، ۳۰۸.
۲۶. فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۸۶۲.
۲۷. رک: وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارشهای خفیه نویسان انگلیس...) به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، نشر آسیم، ص ۶۴ نیز فارسنامه ناصری، ج ۱، ۸۴۸.
۲۸. وقایع القافیه، ۱۳۳.
۲۹. خسرو و شیرین شعله نی ریزی - مقدمه، ص ۱۰.
۳۰. وقایع اتفاقیه، ۸۶.
۳۱. بحمداله که با این تلخکامی گرفت این قصه شیرین تمامی (۹/۱۷۵).
۳۲. رک: فرهاد و شیرین، وحشی بافقی - وصال شیرازی، به تصحیح و اهتمام سیدعلی آل داود، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳.
۳۳. منظور این ابیات فردوسی است:
- ز مریم همی بود شیرین بدرد همیشه ز رشکش دو رخساره زرد
به فرجام شیرین ورا زهر داد شد آن نامور دخت قیصر نژاد
- (شاهنامه، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، ج ۹/۲۱۸)
۳۴. رک: خسرو و شیرین، نظامی گنجه‌ای، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۶، ص ۲۶۶، بیت ۹-۱۰.
۳۵. خسرو و شیرین شعله نی ریزی، ص ۱۱.
۳۶. در الذریعه الی تصانیف الشیعه (ج ۱۷ ص ۱۶۶) تاریخ انتشار این کتاب سال ۱۳۸۴ ه.ق و نام دکتر نورانی وصال، سهواً «نورانی شیرازی» قید شده است.
۳۷. خسرو و شیرین شعله نی ریزی، ص ۳.



تصویر صفحه‌ای از نسخه خطی فرهاد و شیرین شعله‌نی‌ریزی
محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱/۱۳۸۰۵



تصویر صفحه‌ای از نسخه خطی فرهاد و شیرین شعله نی‌ریزی
محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۱۴۰

دوره جدید، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۱)



تصویر صفحه اول نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۸۲۱



تصویر صفحه دوم نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۸۲۱

دوره جدید، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۱)